**( 32 )**

**بنام مقصود عالمیان**

این نامه‌ایست ازمظلوم بسوی مظلومی که از کأس بلا آشامید و از کوب بأساء چشید وارد شد بر تو آنچه بر ما وارد شد محزون مباش عنایت حق ترا احاطه نمود نجات بخشید حق جل جلاله شاهد و گواه که در کل حین تحت لحاظ بوده و هستی از عاقبت امور احدی الا الله آگاه نه لذا نباید در امورات حادثه مکدر باشی اگر لذت بیان رحمن را بیابی و عنایتش را آگاه شوی خود را بر سریر اطمینان و فرح مشاهده کنی قد بدل الله اضطرابک بالاطمینان و ذلک بالعز انه یکون معک فی کل الاحوال قل

الهی الهی فرج همی بجودک و عطآئک و ازل کربتی بسلطنتک و اقتدارک ترانی یا الهی مقبلا الیک حین اذ احاطت بی الاحزان من کل الجهات اسئلک یا مالک الوجود و المهیمن علی الغیب و الشهود باسمک الذی به سخرت الافئدة و القلوب و بامواج بحر رحمتک و اشراقات انوار نیر عطآئک ان تجعلنی من الذین ما منعهم شیء من الاشیآء عن التوجه الیک یا مولی الاسمآء و فاطر السمآء ای رب تری ما ورد علی فی ایامک اسئلک بمشرق اسمائک و مطلع صفاتک ان تقدر لی ما یجعلنی قآئما علی خدمتک و ناطقا بثنائک انک انت المقتدر القدیر و بالاجابة جدیر ثم اسئلک فی آخر عرضی بانوار وجهک ان تصلح اموری و تقضی دینی و حوآئجی انک انت الذی شهد کل ذی لسان بقدرتک و قوتک و ذی درایة بعظمتک و سلطانک لا اله الا انت السامع المجیب